

تأثیر ساختار فضای جغرافیایی بر مرکزگرایی و مرکزگریزی در افغانستان



جواد امیری^۱، سیده‌های زرقانی^۲، مرتضی منشادی^۳

چکیده

یکی از وظایف اصلی فضااندیشان و فضاگردانان عرصه جغرافیای سیاسی (ژئوپلیستین‌ها، جغرافی‌دانان و مدیران سیاسی)، شناسایی و تحلیل عوامل جغرافیایی است، که نظام سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل در همه فضاهای جغرافیایی، به‌خصوص در بُعد ساختاری آن‌ها به اشکال مختلف وجود داشته و نقش تعیین‌کننده‌ی بر شکل‌گیری مرکزگرایی و مرکزگریزی در کشورها دارند. کشور افغانستان به‌عنوان یک واحد فضای جغرافیایی، در صد سال اخیر، به‌خصوص در نقاط عطف و حساس تاریخی، شاهد اوج‌گیری فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز می‌باشد، تا به آن‌جا که نهادینه‌گی و بقای نظام‌های سیاسی را با مشکل مواجه نموده است. با توجه به این مسأله، این پرسش مطرح می‌گردد که: ساختار فضای جغرافیایی افغانستان چه تأثیری بر شکل‌گیری و فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز دارد؟ این پژوهش به‌صورت (مطالعه موردی) با تقدم نظریه انجام شده است. سامان‌دهی آن با روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) و نگرش کارکردگرایی در جغرافیا صورت گرفته است. برای گردآوری داده‌ها از شیوه اسنادی استفاده شده است. هدف اساسی آن آسیب‌شناسی و شناخت عوامل مؤثر بر مرکزگرایی و مرکزگریزی موجود در ساختار فضای جغرافیایی افغانستان بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که ساختار فضای جغرافیایی افغانستان در ابعاد ۱. عناصر محیط طبیعی؛ ۲. عناصر جامعه انسانی و ۳. عناصر محیط انسان‌ساخت، نامتجانس است و در صورت عدم کنترل حکومت، این امر سبب بروز اندیشه‌های سیاسی متفاوت و تغییر مداوم وزن قدرت به نفع نیروهای مرکزگریز یا مرکزگرا می‌شود.

واژه‌گان کلیدی: ساختار فضایی، مرکزگرایی، مرکزگریزی، افغانستان.

^۱. دانش‌جوی دکترای جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانش‌کده/پوهنځی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه/پوهنتون فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(jawadamiri99@mail.um.ac.ir)

^۲. دانش‌یار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانش‌کده/پوهنځی ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه/پوهنتون فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده

مسئول: h-zarghani@um.ac.ir)

^۳. دانش‌یار علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانش‌کده/پوهنځی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه/پوهنتون فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(manshadi@um.ac.ir)



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Ghalib

Received: 04/ 10/ 2024

Accepted: 17/ 03/ 2025

Published: 22/ 03/ 2025

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.1.10>

PP: 169 - 200

The Impact of Geographic Space Structure on Centralization and Decentralization in Afghanistan

Jawad Amiri¹, Seyed Hadi Zarghani^{2*}, Morteza Manshadi³

Abstract

One of the main tasks of spatial thinkers and actors in political geography (including geopolitical scientists, geographers, and political managers) is to identify and analyze the geographical factors that affect the political system. These factors exist in all geographical spaces—especially in their structural dimension—in various forms, and they play a decisive role in the formation of centralism and centrifugalism in countries. Afghanistan, as a geographical unit, has witnessed the activity of both centripetal and centrifugal forces over the past hundred years, especially at critical historical turning points, to the extent that these dynamics have challenged the institutionalization and stability of its political systems. Given this issue, the main research question is: How does the structure of Afghanistan's geographical space affect the formation and activity of centripetal and centrifugal forces? This study was conducted as a theoretical case study using a qualitative (descriptive-analytical) method within a functionalist geographical framework. Data were collected through a documentary research method. The main goal of the study is to diagnose and identify the factors influencing centralization and decentralization within Afghanistan's geographical structure. The findings show that Afghanistan's geographical structure is heterogeneous across three dimensions: 1. elements of the natural environment; 2. elements of human society; and 3. elements of the man-made environment. If the government fails to manage this structural heterogeneity, it will result in the emergence of divergent political ideologies and continuous shifts in the balance of power, either in favor of centripetal or centrifugal forces.

Keywords: Spatial structure, centralization, decentralization, Afghanistan.

GHALIB (International Journal of Law, Political Science and International Relations)
14th years and Volume, First Issue, 2025

¹ PhD student in Political Geography, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (jawadamiri99@mail.um.ac.ir)

^{2*} Associate Professor of Political Geography, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding author: h-zarghani@um.ac.ir)

³ Associate Professor of Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (manshadi@um.ac.ir)



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱. مقدمہ

جغرافیا علم مطالعہ فضای سہ بُعدی بہ عنوان زیست گاہ سارہای انسانی و ابنای بشر در مقیاس های مختلف محلّی تا فراسیاریہی است، کہ بہ مثابہ سیستمی برخوردار از ساختار و کارکرد، مرکب از عناصر محیط طبیعی، جامعہ انسانی و محیط انسان ساخت درہم تنیدہ و مرتبط باہم تشکیل می شود۔ فضای جغرافیایی سہ بُعدی، عرصہ تعامل انسان با محیط طبیعی و نیز محیط خودساختہ است، کہ بر پایہ روابط دیالکتیکی دائماً درحال تحول و تکامل است۔ این فضا در حکم زیست گاہ و بستر حیات، اقامت حرکت و فعالیت انسان عمل می کند و برایش فرصت ها و محدودیت ها را می آفریند۔ انسان نیز برای حیات و زیستن خود بہ اشکال مختلف، فضای جغرافیایی را مورد کاربری قرار می دہد و در عناصر طبیعی، انسانی و کالبدی آن و نیز روابط این عناصر با یک دیگر، دخل و تصرف می کند و سیما، ساختار و سیستم فضای جغرافیایی را متحول می نماید۔ فضای جغرافیایی متحول شدہ بہ نوبہ خود گنّش ها، فرصت ها و محدودیت های جدیدی برای انسان می آفریند و انسان نیز در تقلّای مجدد و بر پایہ تحولات و تغییرات جدید محیطی، رفتار و کردار خود نسبت بہ آن را سامان می دہد؛ بنابراین، جریان کنش متقابل دینامیکی بین آن ها دائماً استمرار می یابد و منجر بہ تغییرات و نوآفرینی های جدیدی در محیط و رفتار انسان می گردد؛ براین اساس، توسعہ و تحول مستمر فضای جغرافیایی در مقیاس های مختلف معنا و مفہومی فلسفی پیدا می کند (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۲۷۰)۔

بر کسی پوشیدہ نیست، کہ ہدف اساسی و غیرقابل تغییر ہر کشور ہم وارہ بقا بودہ و می باشد؛ و این مہم خود در گرو مقولہ تہدید می باشد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۵)۔ تہدیدات نیز بہ دو صورت بقای کشورها را بہ خطر می اندازد: نخست از جانب نیروهای خارجی (ہم سایہ گان، قدرت های منطقہ یی و فرمانطقہ یی، سازمان های فراملیتی و....)۔ دوم از جانب نیروهای داخلی یک کشور؛ نیروهای داخلی بہ نوبہ خود بہ دو صورت بقا را تحت تأثیر قرار می دہند: یک دستہ عواملی ہستند کہ نقش مثبتی در آن داشتہ و وحدت و انسجام ملّی را فراہم می کند و در نتیجہ باعث بقای کشور می شوند و دستہ دیگر عواملی کہ برعکس دستہ اول عمل کردہ و زمینہ تجزیہ و فروپاشی را فراہم می آورند۔ در منابع جغرافیای سیاسی از نیروهای دستہ اول بہ عنوان «نیروهای مرکز گرا» و از نیروهای دستہ دوم با عنوان «نیروهای مرکز گریز» نام می برند۔ دولت ها بہ خصوص از نوع ملّی آن ها برای مدیریت و سامان دہی سیاسی فضای جغرافیایی خویش، با شناسایی عوامل مؤثر بر مرکز گریز و مرکز گرای داخلی سعی در کاهش نقش نیروهای مرکز گریز و تقویت نیروهای مرکز گرا دارند تا بدین وسیلہ بقای خود را تضمین کنند۔ باید گفت کہ این امر نیاز دارد تا علل شکل گیری و فعال شدن آن ها را خوب بشناسیم و این مہم فقط در ابعاد ساختار و کارکرد فضاہای جغرافیایی کشورها نہفتہ است۔

کشور افغانستان به عنوان یک واحد فضای جغرافیایی، در صد سال اخیر، به خصوص در نقاط عطف و حساس تاریخی، شاهد اوج گیری فعالیت نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز بوده است. بروز اندیشه ها و نظام های سیاسی متفاوت و تغییر مداوم وزن قدرت به نفع هر یک از آن ها، نهادینه گی و بقای نظام سیاسی این کشور را با بحران مواجه نموده است. هرچند این کشور از ابعاد بسیار محکمی هم چون دین و تاریخ، دارای پیشینه مشترک و پیوند است و همین امر نیز باعث شده تا هنوز به عنوان یک کشور باقی بماند؛ اما به نظر می رسد که ویژه گی ها و مؤلفه های فضای جغرافیایی آن تنوع بسیار دارد و علل جهت گیری ها و مسائل مرکزگریزی در نواحی مختلف آن شده، که می تواند تهدیدات جداسازی را برای این کشور به بار آورد.

از جمله آثاری که در این زمینه نگارش یافته اند، عبارتند از: کتاب «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک» اثر دکتر محمدرضا حافظ نیا، در فصل هفتم آن به صورت مفصل به ارزش ها و عوامل فضای جغرافیایی پرداخته شده است و همچنین این تحقیق به صورت مبنائوری مورد استفاده قرار گرفته است؛ کتاب «مدخلی بر جغرافیای سیاسی افغانستان»، اثر آقای محمدعظیم عظیمی. این کتاب به جغرافیای سیاسی افغانستان اختصاص دارد. وی در این اثر علاوه بر شرح قلمرو فضایی جغرافیایی کشور افغانستان، مشکلات فضا در آن را مورد بررسی قرار داده و سپس، مباحثی چون ابعاد جمعیت شناختی، قانون های سیاسی، مرزهای سیاسی، تقسیمات اداری و چالش های جامعه افغانستان را مطالعه و تحلیل نموده است. وی در این اثر با شناخت فضای جغرافیایی وارد بُعد سیاسی آن شده است اما آن چه در این مقاله به صورت خاص مورد بررسی قرار گرفته، شناخت ساختار فضای جغرافیایی افغانستان و تأثیر آن بر مرکزگرایی و مرکز گریزی در این کشور است. در مقاله «هم گرایی و واگرایی در افغانستان»، دکتر محسن جان پرور بیان می کند، که کشور افغانستان دارای اقلیت های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی فراوانی است، که زمینه گسسته گی، شکاف تنش و کمکش های مختلف را در آن فراهم آورده و یک پارچه گی ملی افغانستان را با خطر جدی روبه رو ساخته است. در این اثر وی به بررسی و شناخت نیروهای هم گرا و واگرا پرداخته است، اما در مقاله حاضر به علت شکل گیری آن ها توجه شده است؛ همچنین دکتر محمدرضا حافظ نیا در مقاله دیگری «تحلیل ژئوپلیتیکی بحران افغانستان» بیان می کند، که بحران افغانستان از عوامل گوناگونی متأثر می باشد، که به دو گروه کلی تقسیم می شوند: ۱. عوامل داخلی که عبارتند از: ترکیب قومی، ترکیب مذهبی، ترکیب زبانی، ترکیب و توزیع فضایی اقوام و جمعیت، قدرت طلبی رهبران گروه ها، بی سوادی و کم سوادی مردم، دیدگاه های سیاسی، فقر عمومی؛ و ۲. عوامل خارجی که عبارتند از: همسایگان، دولت های فرمانطقه یی، قدرت های جهانی و نهادهای بین المللی. به نظر وی زمانی که این عوامل با یک دیگر ترکیب می شوند، شرایط حاد بحرانی ژئوپلیتیکی برای این کشور پیش می آید. باید

خاطر نشان کرد، کہ ایشان با نگاہ جامع تحلیل ژئوپلیتیکی دارند، در صورتی کہ مقالہ حاضر با روی کرد جغرافیایی و جغرافیای سیاسی است. دانش جغرافیای سیاسی و دانش ژئوپلیتیک در نگاہ نویسندہ گان، دو حوزہ جدا ہستند.

از آن جایی کہ فضاهای جغرافیایی بہ عنوان موطن اقوام مختلف نقش خاصی را برای عمل این نیروہا بازی می کند و مسئلہ امنیت سرزمینی کشورہا را کاملاً متأثر می سازد، نیاز مبرم بہ تحقیقات از این دست است، تا آن چنان کہ بایستہ و شایستہ است از محیط جغرافیایی خود شناخت کامل داشتہ باشیم و عوامل بی ثباتی و نابہ سامانی کشور در آیندہ رفع گردد و زمینہ ہم زیستی مسالمت آمیز در فضای سامان یافتہ فراہم گردد. بر این اساس پرسش اساسی این پژوهش چنین مطرح می گردد: ساختار فضای جغرافیایی افغانستان چہ تأثیری بر شکل گیری و فعالیت نیروہای مرکز گرا و مرکز گریز در این کشور دارد؟

برای سامان دہی این پژوهش از روش کیفی (توصیفی - تحلیلی) و نگرش کارکردگرایی در جغرافیا استفادہ شدہ است. گردآوری دادہ ہا نیز بہ شیوہ اسنادی صورت گرفتہ است. یافتہ های پژوهش نشان می دہند کہ ساختار فضای جغرافیایی این کشور در ابعاد ۱. عناصر محیط طبیعی؛ ۲. عناصر جامعہ انسانی و ۳. عناصر محیط انسان ساخت، نامتجانس است و این امر سبب بروز اندیشہ های سیاسی متفاوت و تغییر مداوم وزنہ قدرت بہ نفع نیروہای مرکز گریز یا مرکز گرا می شود. بہ ہر روی، این پژوهش بہ ہدف آسیب شناسی و شناخت ساختار فضای جغرافیایی مؤثر بر مرکز گرایی و مرکز گریزی در افغانستان انجام می شود.

۲. ادبیات مفہومی و نظری پژوهش

۲-۱. فضای جغرافیایی

در جغرافیا، مفہوم فضا بہ دو صورت، فضای مطلق و فضای نسبی بہ کار بردہ می شود. فضای مطلق دارای کیفیت عینی، واقعی، مشخص و طبیعی است؛ اما فضای نسبی بہ طور مداوم در اثر نیازہای اجتماعی و اقتصادی و شرایط تکنالوژیکی تغییر می یابد. از دیدگاہ علم فضایی، مردم در فضاهای نسبی زندہ گی می کنند. بدین ترتیب «فضای فعالیت»، «فضای اجتماعی»، «فضای ساختہ شدہ» و «فضای عمل کردی» در محدودہ فضای نسبی جای می گیرند (شکوئی، ۱۳۹۴: ۲۸۸). در مورد ویژگی های فضا و عوامل شکل گیری آن، شرایط نظام اقتصادی، نظام سیاسی، نظام ایدئولوژیکی و پیوندہا این سہ عامل و ہم چنین عمل کردہای اجتماعی ناشی از آن ہا تبیین گردیدہ است (ہمان: ۲۹۱)؛ اگرچہ فضا یک تولید مادی و در ارتباط با سایر عوامل مادی قرار می گیرد، اما بہ میزان قابل توجہی می تواند یک تولید ایدئولوژیکی، سیاسی و فرہنگی نیز بہ شمار آید. در این معنا ہر فضا

دارای درون مایه و ابعاد مختلفی است، که متأثر از عوامل مادی و غیرمادی در معرض تغییر و تحول قرار می گیرد. درون مایه فضا شامل پدیده های محیط طبیعی، ساخت های انسانی همانند شهرها، روستاها، راه های ارتباطی و مزارع هستند، که محتوای طبیعی و انسانی فضا را شکل می دهند؛ اما هر فضای جغرافیایی دارای ابعادی است که از فاصله، جهت و موقع نسبی شکل می گیرد. درون مایه هر فضا به همراه پراکنده گی نابرابر پدیده های طبیعی و انسانی سبب تحرک در جامعه می شود (همان: ۲۹۴).

۲-۲. ارزش ها و عوامل فضای جغرافیایی

هر فضای جغرافیایی در بطن خود حاوی ارزش های طبیعت پایه و انسان پایه است، که مطلوب انسان ها می باشد. عناصر فضای جغرافیایی به لحاظ کارکردی ماهیتی دوگانه دارند؛ بدین معنا که یک عامل جغرافیایی برای یک گروه یا سازه انسانی ممکن است مثبت تلقی شود، درحالی که همان عامل برای گروه و یا فرد دیگر دارای ارزش منفی انگاشته می شود. به علاوه این که هویت ساختی و کارکردی عوامل دارای ارزش ثابت و پایدار نیستند؛ بدین معنا که یک عامل در بستر زمان و مکان ممکن است دچار تحول ارزشی شود و یا در دیدگاه گروه های انسانی متفاوت ارزش های متفاوتی داشته باشد؛ بنابراین، می توان ادعا کرد که عوامل جغرافیایی از سیالیت ارزشی برخوردار هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۷۱). مشخصات فضای جغرافیایی در دو بُعد ساختار و کارکرد قابل تشریح می باشد؛ به عبارتی، هر مکان و فضای جغرافیایی از ویژگی های ساختاری و کارکردی خاص خود برخوردار است، که منعکس کننده ارزش ها، فرصت ها و محدودیت های جغرافیایی آن می باشد. درباره مفهوم جغرافیایی مکان ویلیام امپرتر^۱، مکان را برخوردار از «مشخصات» و «موقع» می داند. مشخصات مکان شامل بُعد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تکنالوژی و جمعیت (و بُعد طبیعی آب و هوا، فیزیوگرافی خاک و زنده گی حیوانی و گیاهی است؛ و موقع نیز دارای ابعاد ریاضی طول و عرض جغرافیایی) و نسبی جهت فاصله و ارتباط می باشد (شکوئی، ۱۳۶۴: ۲)؛ به صورت خلاصه مشخصات و ارزش های مکان و فضای جغرافیایی در چهارچوب ابعاد ساختاری و کارکردی قابل تبیین است.

¹ William Emperter

جدول (۱): مشخصات فضای جغرافیایی

مشخصات فضای جغرافیایی			
مشخصات مکان و فضای جغرافیایی	۱. بعد ساختاری	۱. موقعیت جغرافیایی (موقعیت هر مکان و فضای جغرافیایی)	نسبت به خط استوا و مبدأ قراردادی کمان گرینویچ مشخص می شود و از ثبات برخوردار است. این همان چیزی است، که به عرض و طول جغرافیایی معروف است و موقعیت هر پدیده یا هر جا و مکان یا فضا را نسبت به خط استوا عرض جغرافیایی و نسبت به خط گرینویچ طول جغرافیایی مشخص می کند.
		۲. موقعیت نسبی	این نوع موقعیت جای گاه یک مکان یا فضای جغرافیایی را نسبت به جهات چهارگانه جغرافیایی و نیز نسبت به عوامل مختلف، هم چنین مکان ها و فضاها را دیگر و یا هم جوار مشخص می کند.
		الف: عناصر محیط طبیعی	عناصر طبیعی از اختصاصات نظام طبیعت است
	۲. محتوای جغرافیایی (عوامل و اجزاء ساختاری)	ب: عناصر محیط انسانی	منتسب به عملکرد انسان در رابطه با عناصر طبیعی بوده و ناشی از کارکردهای فردی و جمعی انسان ها میباشد که در مکان و فضای جغرافیایی تعین داشته و قابل مشاهده و ادراک میباشد
		ج: عناصر جامعه انسانی	عناصر انسانی نیز شامل ابعاد کمی و کیفی جمعیت گروه های اجتماعی و سازه های انسانی و اکولوژیک می باشد.
	۲. بعد کارکرد	۱) مقدس	نگرش مردم بر اساس باورها و عقاید دینی و مذهبی به مکان ها و فضاهای جغرافیایی خاص منجر به پیدایش احساس احترام و نگهداری آن ها نسبت به دیگر فضاها می شود.
		۲) عاطفی	مکان ها و فضاهای جغرافیایی خواه بر اساس روابط اکولوژیکی و یا عوامل دیگر به نوعی علاقه کسان است، که در آن تولد یافته با به عنوان زیست گاه در آن زنده گی می کند.
		۳) تولیدی	عناصر و ساخت های مکان و فضا، که به تولید کالا و خدمات می پردازد و نیازهای اساسی بشر را تأمین می کند (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، امنیتی و دفاعی، علمی و فنی و فرهنگی)
		۴) فضایی	قلمرو جغرافیایی نفوذ و اثرگذاری کارکردهای تولیدی (محلی، ملی، منطقه ای، و جهانی)

برگرفته شده از مدل متغیرها و ارزش های جغرافیایی مکان و فضا (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۹۳)

۲-۳. ساختار فضایی

هر مکان و فضای جغرافیایی دارای محتوایی است که عوامل و اجزای ساختاری آن را تشکیل می‌دهد. این عناصر و اجزاء در ارتباط با هم جفت‌وجور شده و ساختار مکان یا فضا را شکل می‌دهند. عناصر مزبور مرکب از عوامل طبیعی انسانی و انسان‌ساخت می‌باشند؛ این عناصر با یکدیگر رابطه نظام‌یافته و داده و ستاده دارند و سیستمی از روابط را در مکان یا فضا به‌وجود می‌آورند، که می‌توان از آن به اکوسیستم جغرافیایی مکان و فضا تعبیر نمود. عناصر و اجزای مزبور از حیث ماهیت و کارکردی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را در ارتباط با نیازهای فردی و جمعی انسان‌ها ارائه می‌دهند، که سازنده درک آن‌ها از ارزش و اعتبار مکان و فضا است، ساختار و اکوسیستم مکان یا فضای جغرافیایی به‌عنوان زیست‌گاه جمعیت و انسان‌های مقیم یا ساکن در آن عمل می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۶).

۲-۴. نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز

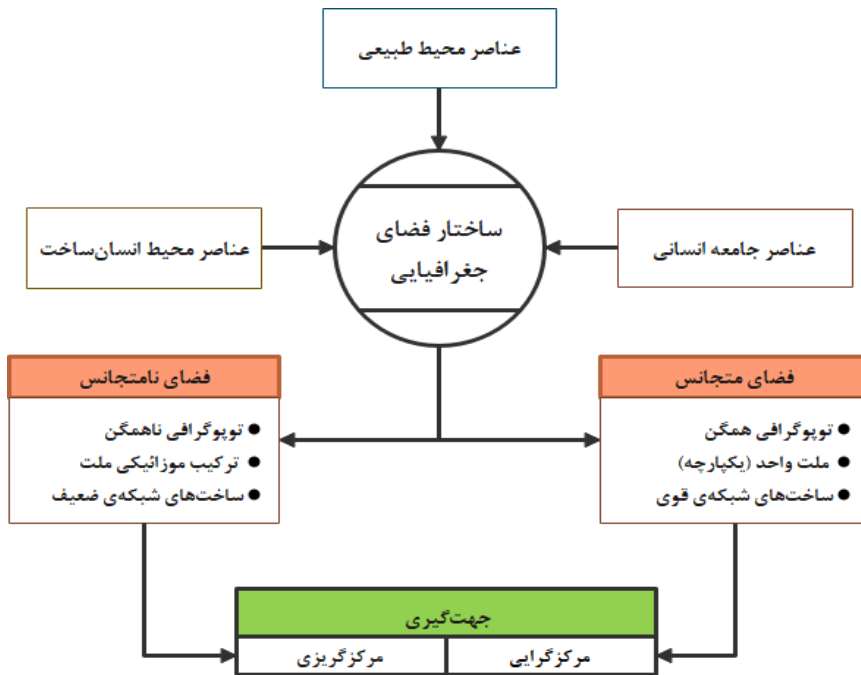
تفکیک دوگانه نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا در داخل کشورها در ابتدا توسط ریچارد هارتشورن^۱ مطرح شد. نظریه او که بعداً «نظریه یک‌پارچه‌گی سرزمینی» نامیده شد، تنش بین نیروهای یک‌پارچه‌ساز مرکزگرا و نیروهای مخرب مرکزگریز را مورد بحث قرار می‌دهد. در مجموع، نیروهای مرکزگریز و مرکزگرا نیروهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی یا اقتصادی هستند، که باعث تضعیف «مرکزگریزی» یا تقویت «مرکزگرا» تمامیت جغرافیایی یک دولت ملت می‌شوند (ویسی، ۱۳۹۸: ۶۶). نیروهای مرکزگریز ممکن است منجر به بالکانیزه‌شدن یک کشور شوند. همه کشورها حاوی عناصری هستند، که به گرایش مرکزگریزی کمک می‌کنند؛ اگرچه ممکن است در بعضی موارد کاملاً ضعیف باشد؛ به‌خصوص در کشورهایی که از نظر فرهنگی یک‌دست یا تقریباً یک‌دست هستند؛ به‌عنوان مثال، جاپان کشوری است که دارای اقلیت‌های مذهبی یا قومی اندک، گرایش‌های مرکزگریزی اندکی را نشان می‌دهد. کشورهایی که دارای گروه‌های اقلیت بی‌شماری هستند، مثل هند، نیجریه، مالزی یا یک اقلیت بزرگ، که در یک منطقه متمرکز است (کانادا، بلژیک، قزاقستان) اغلب نیروهای مرکزگریز قابل توجهی را تجربه می‌کنند. در کشورهای دیگر کنترل منابع یا سطوح مختلف توسعه اقتصادی ممکن است باعث بروز چنین نیروهایی شود. حتا تنها یک مسأله سیاسی ممکن است به ایجاد اختلافات شدید در هویت و وفاداری ناحیه‌یی کمک کند. منجر به ابراز خشونت

¹ Richard Hartshorne

در گرایش به مرکزگریزی که می‌تواند بقای کشور را تهدید کند، شود. در مسأله برده‌داری در ایالات متحده در نیمه اول قرن نوزدهم چنین بود (Hanks, 2011: 50).

براساس تحلیل نظری ابعاد و مؤلفه‌های دو متغیر «ساختار فضای جغرافیایی» و «مرکزگرایی و مرکزگریزی» می‌توان مدل مفهومی زیر را مبنای تبیین رابطه متغیرهای پژوهش دانست.

شکل (۱): مدل مفهومی رابطه بُعد ساختار فضای جغرافیایی با مرکزگرایی و مرکزگرایی



(مدل از نگارنده)

۳. محیط‌شناسی پژوهش (فضاشناسی افغانستان)

به‌طور کلی هر فضای جغرافیایی، تولیدکننده فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای زنده‌گی انسان‌ها می‌باشد. انسان‌ها تلاش می‌کنند فرصت‌ها را مورد استفاده قرار دهند و بر محدودیت‌ها غلبه کنند و یا محدودیت‌های دیگران را چنان‌چه در موقعیت رقیب باشند، به فرصت تبدیل نموده و علیه آنان به‌کار گیرند. همان‌طور که در ادبیات مفهومی بیان شد، مشخصات فضای جغرافیایی در دو بُعد ساختار و کارکرد قابل تشریح می‌باشد. برای محیط‌شناسی مسأله این پژوهش نیاز است تا شناخت و درک

درست از بُعد ساختاری فضای جغرافیایی کشور افغانستان به دست آید. به قول هارتشورن در جغرافیای سیاسی وضعیت مورفولوژیکی^۱ یک کشور بر کارکرد حکومت و نیروهای سیاسی تأثیر زیادی دارد؛ لذا مطالعه مورفولوژیکی، دروازه ورود به مطالعه کارکردی است. به نظر می‌رسد که در ابتدا باید به شناخت‌شناسی محیط طبیعی توجه و سپس به اهمیت آن در روابط انسانی پرداخت (Hartshorne, 1950: 100).

۳-۱. عوامل ساختاری

۳-۱-۱. موقعیت جغرافیایی

موقعیت یک کشور از دو جهت قابل بررسی است: ۱. از نظر موقعیت ریاضی: بر کره زمین که از روی مدارات و نصف‌النهار مشخص شده است و موقع مطلق خوانده می‌شود؛ و ۲. از جهت موقع نسبی: این نوع موقعیت جای‌گاه یک مکان یا فضای جغرافیایی را نسبت به جهات چهارگانه جغرافیایی شمال، جنوب، غرب و شرق و نیز نسبت به عوامل مختلف هم‌چنین مکان‌ها و فضاها و دیگر و یا هم‌جوار مشخص می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۵).

۳-۱-۲. موقعیت ریاضی

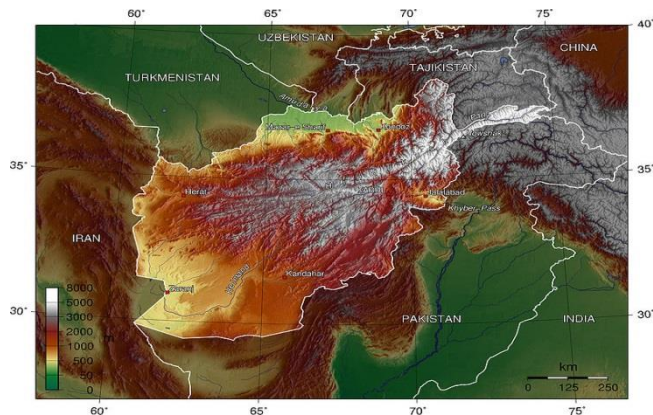
موقعیت ریاضی یک کشور که میزان دوری و نزدیکی به خط استوا و دو قطب را مشخص می‌کند، تعیین‌کننده وضعیت آب و هوای یک کشور است. موقعیت ریاضی یا مطلق یک کشور به علت تأثیری که بر آب و هوای یک منطقه در نوع تولیدات کشاورزی، محیط زیست و نهایتاً روابط تجاری یک دولت با دولت‌های دیگر دارد، در پیش‌رفت و عدم پیش‌رفت آن بی‌تأثیر نیست (میرحیدر و هم‌کاران، ۱۳۹۶: ۱۴۹ - ۱۵۰). افغانستان به لحاظ موقعیت ریاضی بین ۲۹ تا ۳۸ درجه شمال شرقی و بین ۶۰ تا ۷۵ درجه شرقی نصف‌النهار گرینویچ و در نیم‌کره شمال شرقی واقع شده است. مساحت آن ۶۵۲,۲۲۵ کیلومتر مربع و چهلمین کشور جهان از نظر مساحت به‌شمار می‌آید. طول مرزهای افغانستان حدود ۵۸۰۰ کیلومتر است، که در شمال با جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، از شرق و جنوب با جمهوری اسلامی پاکستان، از سمت شمال شرقی از طریق تنگه واخان با ولایت سین‌کیانگ (سنجان) جمهوری خلق چین و در غرب با ایران هم‌مرز است. بیش‌ترین فاصله شرق تا غرب افغانستان، از دره یولی (شرقی‌ترین نقطه) تا دهانه ذوالفقار (غربی‌ترین نقطه) ۱۲۴۰ کیلومتر، و شمال تا جنوب آن، از نقطه خمیاب در ولایت جوزجان (شمالی‌ترین نقطه) تا

^۱ پیکرشناختی

کوه‌های چاکایی (جنوبی ترین نقطه) ۸۵۵ کیلومتر است و حداقل فاصله آن با آب‌های آزاد جهان از طریق مرزهای جنوبی و پاکستان ۵۰۰ کیلومتر می‌باشد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۴).

۳-۱-۳. موقعیت نسبی

محل قرارگیری هر مکان، نسبت به پدیده‌های محیط طبیعی یا عناصر جامعه انسانی پیرامون خود، موقعیت نسبی آن مکان است؛ همه پدیده‌ها موقعیت نسبی دارند. منظور از موقعیت نسبی هر کشور، محل قرارگیری آن، نسبت به سایر کشورها، دریاها، تنگه‌ها، کانال‌ها، منابع اقتصادی، مجاورت با یک دولت قدرت مند و توسعه طلب و ... است. گرچه موقعیت نسبی یک کشور ثابت است؛ ولی اهمیت آن با گذشت زمان تغییر می‌کند و بیش تر معلول تغییر در قدرت هژمونیک و برداشته‌ها و ادراکات جامعه بین الملل است (میرحیدر و هم کاران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). باتوجه به موقعیت نسبی افغانستان، این کشور با واقع شدن در مرکز آسیا، باعث محاطه شدن آن در خشکی شده است؛ بنابراین، افغانستان از آب‌های آزاد جهان فاصله زیادی دارد. نزدیک ترین راه دسترسی افغانستان به آب‌های آزاد از طریق هم‌سایه جنوبی و غربی و خصوصاً مرزهای جنوبی آن و از طریق کشور پاکستان، این امکان وجود دارد؛ چرا که ۵۰۰ کیلومتر فاصله کم ترین فاصله‌یی است که افغانستان به آب‌های آزاد جهان دسترسی پیدا کند. از لحاظ اقتصادی، موقعیت جغرافیایی افغانستان کریدور سه حوزه جغرافیایی است، که به لحاظ داشتن موقعیت ارتباطی از وزن ژئوپلیتیکی و ژئواکراونومیکی بس مهم و ارزش مند برخوردار است. این جای‌گاه، افغانستان را می‌تواند به محور پیوند دهنده کشورهای سه حوزه: ۱. کشورهای آسیا مرکزی؛ ۲. آسیای جنوبی، مانند هند و پاکستان؛ و ۳. کشورهای ایران و خاور میانه است (عظیمی، ۱۳۹۶: ۴۸).



تصویر شماره ۱: موقعیت نسبی و ریاضی افغانستان

(منبع: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Afghan_topo_en.jpg)

۳-۲. محتوای جغرافیایی

عناصر ساختاری مکان و فضای جغرافیایی در سه مجموعه، محیط طبیعی، عناصر جامعه انسانی و محیط انسان ساخت قابل تبیین می‌باشد. عناصر طبیعی از اختصاصات نظام طبیعت است و عناصر انسان ساخت متناسب به عمل کرد انسان در رابطه با عناصر طبیعی بوده و ناشی از کارکردهای فردی و جمعی آن‌ها می‌باشد، که در مکان و فضای جغرافیایی قابل مشاهده و ادراک می‌باشد. عناصر انسانی نیز شامل ابعاد کمی و کیفی جمعیت گروه‌های اجتماعی و سازه‌های انسانی می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۸)؛ از این رو، محتوای فضای جغرافیایی افغانستان را می‌توان در قالب بستر و چهره طبیعی، منظر و سیمای انسانی و عناصر انسان ساخت به بررسی گرفت.

۳-۲-۱. عناصر محیط طبیعی

این عناصر از اختصاصات نظام طبیعت است. افغانستان سرزمینی کوهستانی، محاط به خشکی است. این سرزمین در نیم کره شمالی، نیم کره شرقی، در محدوده آسیای مرکزی واقع شده است. دوسوم خاک افغانستان در انتهای غربی رشته کوه‌های هندوکش فراگرفته است، که یکی از بلندترین و ناهموارترین مناطق کوهستانی سراسر دنیا را تشکیل می‌دهد. با یک نگاه به نقشه افغانستان مشخص می‌شود که نه تنها کوه‌های بلند بستر جغرافیایی اصلی افغانستان را تشکیل می‌دهد، بل که بسیاری از شهرها، از جمله کابل، پایتخت کشور نیز به واسطه وجود آن‌ها از یک‌دیگر جدا شده‌اند (لورل، ۱۳۹۲: ۱۴). کوه هندوکش مهم‌ترین این کوه‌هاست، که بلندترین قله آن «نو شاخ» با ۷,۴۹۲ متر بالاتر از سطح آب دریا واقع شده است. کوه هندوکش به طول ۶۰۰ کیلومتر و عرض ۱۰۰ کیلومتر از سمت شمال شرقی به طرف غرب و جنوب غربی کشور کشیده شده و تقریباً از میانه افغانستان می‌گذرد. این کوه هر قدر به طرف غرب امتداد پیدا می‌کند، از ارتفاع آن کاسته می‌شود و در نزدیک مرزهای کشور ایران به کوه‌ها و تپه‌های کم‌ارتفاع تبدیل می‌گردد. قله‌های هندوکش همیشه پوشیده از برف است و حتا در فصل تابستان، قله کوه‌های کشور پوشیده از یخ‌چال طبیعی است. افغانستان به دلیل داشتن کوه‌های بزرگ و قله‌های بلند و یخ‌چال‌های دایمی، یکی از پُرآب‌ترین کشورهای منطقه به حساب می‌آید، که دارای پنج حوزه آبریز عمده می‌باشد. مجموع مقدار آب سطحی این حوزه‌ها سالانه به حدود ۵۷ میلیارد متر مکعب می‌رسد. موقعیت افغانستان به عنوان کشور بالادست، این کشور را به منبع جریان آب به کشورهای هم‌سایه مبدل کرده است. این پنج حوزه مهم آبی، عبارت‌اند از: حوزه آبی کابل، هیرمند، آمودریا، شمال و هریرود. هر کدام از این حوزه‌های فرعی رودخانه‌های متعدد را در خود دارد؛ در نتیجه افغانستان به لحاظ طبیعی کشوری کوهستانی است، که دارای پستی‌ها و بلندی‌ها و چین‌خورده‌گی‌ها و شکسته‌گی زیادی است، که این

ویژه‌گی باعث تنوع زیستی انواع گیاهان، جانوران، دره‌های زیبا، رود و رودخانه‌های خروشان، آبشارهای بلند، دریاچه‌ها، یخ‌چال‌های طبیعی و قله‌های باشکوه و سرسبز در دل کوه‌هایی چون هندوکش، بابا و سفیدکوه واقع شده است، که چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. از سوی دیگر هم نمی‌توان نامهربانی جغرافیایی افغانستان را نادیده گرفت. از جمله می‌توان به قهر طبیعت، مانند طوفان‌ها، سیلاب‌های بهاری و تابستانی و بارش‌های شدید در بعضی از نقاط افغانستان و خشک‌سالی‌ها اشاره کرد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۶۵).



تصویر شماره ۲: نمایی از توپوگرافی افغانستان

(منبع: <https://www.worldatlas.com/maps/afghanistan>)

۳-۲-۲. محیط انسان‌ساخت

منظور از این عناصر ساخت‌هایی هستند که در تعامل انسان با محیط طبیعی، توسط انسان ساخته می‌شود و محصول کارکردهای فردی و یا جمعی آن می‌باشد. این ساخت‌ها، که در فضای جغرافیایی وجود داشته و ماهیت فیزیکی دارند، عبارتند از:

۳-۲-۲-۱. ساخت‌های شبکه‌یی

این ساخت‌ها، سکونت‌گاه‌های شهری، روستایی، عشایری و ساخت‌های نهادی و کارکردی را به هم پیوند داده و مرتبط می‌سازند. ساخت‌های شبکه‌یی کار انتقال و جابه‌جایی و تعامل انسان، کالا، مواد،

انرژی، پیام، اندیشه، ارزش، الگو و سایر موارد را بین ساخت‌های نهادی-کالبدی تسهیل نموده و چهارچوبی نظام‌یافته را در روابط بین ساخت‌های کالبدی - نهادی ارائه می‌دهند (دولفوس، ۱۳۶۹: ۷۱). این ساخت‌ها عبارتند از: ۱. شبکه‌های حمل‌ونقل، شامل شبکه راه‌های زمینی، ریلی، دریایی، هوایی، فضایی و ...؛ ۲. شبکه‌های ارتباطی و الکترونیکی، شامل شبکه خطوط تلفن تلگراف بیسیم، ایمیل، ماهواره، اینترنت کمپیوتر، فیبر نوری کیبل، رادیو، تلویزیون، تلکس و ...؛ ۳. شبکه‌های انتقال انرژی، شامل شبکه انتقال برق و الکتریسیته، خطوط لوله انتقال نفت و گاز و ...؛ ۴. شبکه‌های انتقال آب و فاضلاب، شامل آب شرب شهری، روستایی و ناحیه‌ای، شبکه توزیع آب کشاورزی، صنعتی و خدماتی، شبکه دفع فاضلاب، شبکه‌های کانالی و ... (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۹۴).

۳-۲-۱-۱-۱. شبکه‌های حمل و نقل

شبکه راه‌های زمینی: وضعیت راه‌های ارتباطی زمینی در افغانستان بسیار نامناسب است. از ۲۱۰۰۰ کیلومتر جاده‌یی که در افغانستان ساخته شده است، ۲۸۰۰ کیلومتر آن (۱۳/۳٪) آسفالت شده و مابقی راه‌ها خاکی بوده و از زیرسازی ضعیفی برخوردارند. کشور افغانستان شبکه چندان گسترده‌یی از راه‌ها ندارد. به‌طور مختصر راه‌ها و تونل‌های اصلی در «ماستر پلان سرک‌های افغانستان» (واحدی، ۱۴۰۲) به شکل زیر طبقه‌بندی شده است:

۱. شاه‌راه‌های منطقه‌وی (Regional Highways) (درجه اول)؛ ۲. شاه‌راه‌های ملی (National Highways) (درجه اول)؛ ۳. سرک‌های ولایتی (Provincial Roads) (درجه دوم)؛ ۴. سرک‌های دهاتی (Rural Roads) (درجه سوم).

الف. شاه‌راه‌های ملی: افغانستان شبکه چندان گسترده‌یی از راه‌ها را ندارد. به‌طور مختصر راه‌ها و تونل‌های اصلی آن عبارت‌اند از:

جدول (۲): شاه‌راه‌های ملی					
شماره	نام شاه‌راه	مسافت (km)	ساخت (هـ ش)	نقاط اتصال	توضیحات
۱	سالنگ	۲۶۷۶	۱۳۵۷	شمال به جنوب کشور	شاه‌راه ترانزیتی که ۱۶ ولایت شمالی را با ولایات جنوبی وصل می‌کند.
۲	پل خمری - شبرغان	۳۶۰	۱۳۵۱	پل خمری، سمنگان، خلم، مزارشریف، بلخ، و شبرغان	۴۰ کیلومتر راه کوتاه‌تر گردید. مشکلاتی ناحیه کوتل رباطک و تنگی خلم از میان رفت.
۳	کابل - ننگرهار	۱۰۰	۱۳۵۰	کابل، جلال‌آباد	شاه‌راه مهم ترانزیتی که شرق کشور را به کابل وصل می‌کند.
۴	کابل - قندهار	۴۸۳	۱۳۴۰	کابل - قندهار	عمده‌ترین راه ترانزیتی از مرکز به جنوب و غرب کشور است.

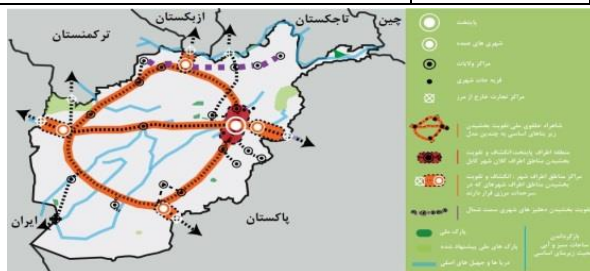
۵	دلارام - زرنج	۲۱۷	۱۳۸۰	فراه و نیمروز	کاهش مدت زمان از ۱۴ ساعت به ۲ ساعت
۶	قندهار، هرات و تورغندی	۶۷۴	۱۳۴۰	قندهار، هرات و تورغندی	از مهم ترین راه های ترانزیتی که حوزه جنوب و غرب کشور را پوشش می دهد.
۷	هرات - اسلام قلعہ	۱۲۳	۱۳۴۰	هرات - اسلام قلعہ	شاهراه عمده یی که نقش بارزی در تجارت و ترانزیت دارد.

به نقل از: (واحدی: ۱۴۰۲).

ب. کریدورهای منطقه‌وی

همان طور که ذکر گردید، افغانستان یک کشور محاط به خشکه می باشد و از این ناحیه تقریباً در انزوای تجارتی و اقتصادی قرار داشته و حتا یکی از عوامل توسعه نیافته گی آن محسوب می شود؛ اما از طرف دیگر این کشور دارای موقعیت ریاضی و نسبی است، که می تواند چهار منطقه بزرگ آسیا را به هم وصل کرده و خود نیز از طریق اتصال با آنها به سایر مناطق و آب های آزاد دسترسی پیدا کند. باوجود این مزیت بزرگ افغانستان تا هنوز نتوانسته به جای گاه مناسب خود نائل آید. به یقین در کنار سایر عوامل یکی از عوامل جدی توسعه نیافته گی افغانستان، فقدان وجود راه های مواصلاتی منطقه وی می باشد. خوش بختانه در دو دهه اخیر توجهات خاصی به این امر مهم و حیاتی، که می تواند اقتصاد افغانستان را منقلب کند، صورت گرفته است.

جدول (۳): کریدورهای منطقه‌وی			
شماره	نام		نقاط اتصال
۱	جلال‌آباد	مرزهای چندمنظوره	افغانستان به آسیای مرکزی، آسیای جنوبی و جنوب شرقی، قفقاز و خاورمیانه و هریک از این مناطق به یک‌دیگر از طریق این شاه‌راه‌ها با مزیت نسبی، نسبت به راه‌های بدیل. به صورت کلی افغانستان می‌توان مناطق شمال و شرق (چین و آسیای مرکزی) را به مناطق غرب و جنوب آسیا (شبه‌قاره هند، قفقاز و خاورمیانه) و برعکس، از طریق کریدورهای (راه ابریشم، گوادر، چاه‌بهار و لاجورد) پیوند دهد و نهایت نقش مرکزی را ایفا نماید.
	مزار شریف		
	هرات		
	قندهار		



تصویر (۳): شاهراه حلقه‌وی

منبع: (FoAC 2009)

پ. شبکه خط آهن

احداث شبکه خط آهن در مطابقت با پلان های انکشافی و عام المنفعه افغانستان و اتصال آن به شبکه های خط آهن منطقه و بین المللی، یکی از اهداف مهم و استراتژیک افغانستان می باشد. در نتیجه، این شبکه های خط آهن زمینه توسعه و تحکیم روابط تجارتي، سیاحتی و اجتماعی به سطح ملی، منطقه و بین المللی را مساعد ساخته، برای گسترش این روابط جهت عرضه به تر خدمات سریع حمل و نقل و فراهم نمودن تسهیلات در این زمینه کالاهای تجارتي، و انتقال آسان مسافران و سیاح ها به داخل کشور و هم چنان به کشورهای منطقه و جهان به مثابه یک پل ارتباطی، نقش بسیار ارزشمند را ایفا می دارد (شمس: ۱۳۹۸)

جدول (۴): شبکه خط آهن					
۲	شبكة خطوط	نام خط آهن	مسافت	ساخت	نقاط اتصال
		سرحدآباد - تورغندی	۲۱۷	دهه ۱۳۴۰	افغانستان به ترکمنستان و قفقاز
		خواف - هرات	۲۲۵	۱۳۹۱	افغانستان به ایران و خاورمیانه
		ترمز - مزار شریف	۷۵	۱۳۵۹	افغانستان به ازبکستان و آسیای مرکزی
		راه آهن ترانس افغان	۶۴۸	۱۴۰۱	ازبکستان، افغانستان، پاکستان و آسیای جنوبی و جنوب شرقی
		مزیت	سفر بین دلارام و زرنج را که پیش از ایجاد این شاهراه طی می شد از ۱۲ تا ۱۴ ساعت در ۲ ساعت کاهش داده است.		
		از طریق خط آهن بندر عباس و بندر چابهار، آسیای میانه به آب های آزاد، بندر کراچی، بندر بمبئی / مومبای و سایر بنادر بین المللی متصل شده و باعث رونق تجارت بین المللی در سطح منطقه می شود.			
		از طریق خط آهن افغانستان می تواند با منطقه آسیای مرکزی و بازارهای تجارتي آن راه یابد			
		بخش تکمیلی خط آهن ترمز - مزار شریف می باشد، که قرار است تا کشور پاکستان کشیده شود. کشورهای اتحادیه اروپا، روسیه، ازبکستان و افغانستان به بنادر پاکستان در اقیانوس هند متصل می شوند.			

ت. خطوط هوایی

برای تأمین و مؤثریت حمل و نقل هوایی و امکانات، میدان های هوایی مطابق به معیارهای تعیین شده سازمان جهانی هوانوردی ملکی طراحی و اعمار می شوند. معیارهای نام برده به عنوان اساس طرح ریزی میدان های هوایی در افغانستان تعیین شده اند. کشور افغانستان در مجموع دارای ۴۸ میدان هوایی (فردگاه) با پنج نوع سطح کاربری (بین المللی، بزرگ داخلی، متوسط داخلی، نظامی و کوچک

محلی) می باشد، که اکثراً در سه دهه گذشته به صورت گسترده اعمار، بازسازی و مدرنیزه شده اند (سیلوان و بلیخ: ۱۳۹۵).

جدول (۵): میدان های هوایی افغانستان			
شماره	نوع میدان هوایی	تعداد	توضیحات
۱	بین المللی	۴	برای بخش عمده مسافران و محموله های تجاری خدمات فراهم می کند، که باعث افزایش سرمایه گذاری در کشور، توریسم و غیره فعالیت های اقتصادی می شود.
۲	داخلی بزرگ (زون)	۳	این میدان ها برای پروازهای داخلی و بین المللی با مسیر کوتاه، خدمات ارائه می کنند و باعث یک پارچه گی منطقه و افزایش رشد اقتصادی با فراهم آوری ارتباط حیاتی بین مقاصد منطقه و پایتخت می شوند.
۳	متوسط داخلی	۱۸	این میدان ها برای فراهم آوری ترانسپورت سریع و کم هزینه برای مراکز ولایتی منزوی و بدون ارتباط ترانسپورتی زمینی اعمار شده اند.
۴	نظامی	۳	جهت استفاده نظامی به صورت اختصاصی اعمار شده اند.
۵	کوچک محلی	۲۰	این میدان ها در کنار میدان های هوایی بزرگ و متوسط داخلی برای یک پارچه گی نقاط دور دست با مرکز فعالیت های اقتصادی اعمار شده اند و باعث تسریع روند کمک های انسان دوستانه نیز می شوند.

ث. بنادر دریایی

افغانستان راهی به دریاهای آزاد ندارد و بالطبع فاقد بندر و کشتیرانی است. تنها رود قابل کشتیرانی رودخانه مرزی آمودریاست که می تواند پذیرای کشتی های کوچک تا ظرفیت ۵۰۰ تن باشد. در سواحل آمودریا شبه بندرهایی احداث شده است، که مهم ترین آن ها خیرآباد و شیرخان است (عظیمی: ۱۳۹۱).

۳-۲-۱-۲. شبکه های ارتباطی

در کشور افغانستان شبکه های ارتباطی مختلف (شبکه تلفن ثابت و تلفن همراه برخوردار از اینترنت) و رسانه های عمومی (رادیو و تلویزیون محلی و ملی) فعال است؛ اما در برخی نقاط کشور با نبود انرژی برق کافی و موانع دیگر، این خدمات در مناطق محدود ارائه می شود. در سال های اخیر وزارت های ذی ربط، فعالیت های مختلفی انجام دادند که بنا به گزارشات سالانه آن ها دست آوردهای ذیل را در این زمینه داشته اند:

الف) شرکت افغان پست: یکی از ریاست های مهم بوده، که تحت نظارت وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی برای شهروندان کشور خدمات پستی انجام می دهد. این شرکت با ترمیم و

بازسازی ۳۵ باب پُسته‌خانه ولایات درجه اول و درجه دوم و توزیع ۲۰۰ عراده موترسایکل و ۱۵ عراده موتر جهت انتقال بسته‌های پُستی و لُسوالی‌ها به مراکز ولایات بزرگ‌ترین نهاد خدمات‌رسان در این زمینه است؛

ب) تأمین کیفیت خدمات تکنالوژی معلوماتی: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در بخش تأمین کیفیت خدمات تکنالوژی معلوماتی به دست‌آوردهای ذیل نایل گردیده است:

جهت انکشاف مرکز تبادلۀ انترنت یا (NIXA Upgradation) NIXA تجهیزات خریداری و تکمیل گردیده است.

به تعداد ۲۳ شرکت بزرگ خدمات اینترنتی جهت مصونیت و کنترل ترافیک اینترنتی در سطح فضای سایبری کشور با دست‌گاه نیکسا وصل گردیده است و تعدادی شرکت‌های دیگر نیز سروی شده‌اند.

سیستم تصادیق الکترونیکی برای ویب‌سایت‌های دولتی و ایجاد سیستم محافظتی تصادیق الکترونیکی Sockets Secure Layer (SSL) غرض توزیع دیجیتل سرتفکیت، تجهیزات تهیه و در مرحله نصب قرار دارد.

تهیه و راه‌اندازی سیستم تحصیلات عالی آنلاین (Higher Education Management System) در هم‌کاری با وزارت تحصیلات عالی.

ج) ارتباطات منطقه‌وی فایبر نوری: فایبر نوری یکی از خدمات شرکت افغان‌تیلی‌کام است و یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های زیربنایی در رشد سکتور مخابرات و تکنالوژی معلوماتی کشور به‌شمار می‌رود. فایبر نوری در کم‌ترین وقت مرزهای محلی را درنورید و از طریق کشورهای هم‌سایه به‌طور مستقیم با پشتی‌بانی فایبر نوری بین‌المللی با بیش‌ترین ظرفیت خدمات اینترنتی با ارائه امکانات دسترسی به خدمات اینترنت وصل گردیده، که اطلاعات را در کم‌ترین زمان انتقال می‌دهد و به وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در این بخش به دست‌آوردهای ذیل نایل گردیده است:

سروی اتصال شبکه تمدید کیبل فایبر نوری به جمهوری کشور چین از طریق واخان از فیض آباد تا سرحد چین صورت گرفته است و درخواست پول تمدید فایبر نوری دهلیز واخان به کشور چین ارسال گردیده، کار آن جریان دارد.

اتصال به کشور قزاقستان از طریق شبکه فایبر نوری ازطرف افغانستان آماده گردیده، ولی به نسبت مشکلات مالی و تخنیکی کشور تاجیکستان، کار پروژه تکمیل نگردیده است.

د) اتصال ادارات دولتی و مکاتب به اینترنت و فایبر نوری: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی مطابق پلان و پالیسی دیجیتل‌سازی ادارات دولتی و تقویت حکومت‌داری الکترونیکی در هماهنگی با ادارات مربوط جهت اتصال ادارات دولتی به شبکه اینترنت از طریق شبکه فایبر نوری یا سیستم

بسیم، سروی و کارهای مقدماتی را آغاز نموده، که طی سال ۱۳۹۹ به دست‌آوردهای ذیل دست یافته است:

جهت اتصال ادارات دولتی در مراکز ۳۴ ولایت کشور به شبکه اینترنت (از طریق شبکه کیبل فایبر نوری یا سیستم بی‌سیم) سروی صورت گرفته تا بندویت لازم شبکه ارتباطات دولتی (Government Network) تأمین گردد. چهار شرکت پیش‌نهاد قیمت خویش را ارائه نموده و بررسی‌های بعدی آن ادامه دارد.

کار وصل (۱۶۰) باب مکتب با شبکه فایبر نوری در ۲۵ ولایت در جریان است.

کار وصل (۵۰۰) باب مکاتب از طریق وایمکس و پاینت تو پاینت در ولایات در جریان است. (ه) کارکرد در بخش آسان خدمت: وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در آغاز سال مالی ۱۳۹۹ تا وقتی که این بخش (آسان خدمت) رسماً به اداره احصائیه تعلق نگرفته بود، به دست‌آوردهای ذیل نایل گردید:

جهت ایجاد مرکز آسان خدمت برای ولایات هرات، کندهار، ننگرهار، بلخ، خوست و پکتیا زمین مشخص شده است.

مرکز آسان خدمت در ولایت خوست ایجاد، و خدمات عامه در خصوص صدور پاسپورت، جواز کار اتباع داخلی، ترانسپورت زمینی و شهدا و معلولین ارائه می‌گردد.

توزیع معاشات (حقوق) کارمندان وزارت‌های معارف و کار و امور اجتماعی از طریق موبایل انجام شده است.

۲-۱-۳. خطوط انتقال انرژی

در حال حاضر کشور افغانستان فاقد خطوط انتقال انرژی سراسری در داخل و منطقه‌یی است؛ اما به‌عنوان پُل ارتباطی آسیای مرکزی غنی از انرژی هیدروکربنی و آسیای جنوبی و جنوب‌شرقی تشنه این انرژی می‌تواند به نفع ثبات و امنیت داخلی و منطقه‌یی استفاده نماید؛ چرا که اهمیت کریدورهای منطقه‌یی برای حمل‌ونقل کالاها و ارتباط پیوسته این مناطق نیز بر اهمیت جغرافیای افغانستان می‌افزاید و این کشور را به‌عنوان پُل ارتباطی منطقه دارای چگالی ارتباط بالای می‌نماید. در حال حاضر در حوزه خطوط انتقال انرژی، افغانستان به‌منظور به دست‌آوردن جای‌گاه در شبکه منطقه‌وی و جهانی، چند محور عمده را دنبال می‌کند، که در قسمت مصرف داخلی افغانستان هم‌اکنون با توجه به زیربنای اولیه طرح‌های مذکور از آن‌ها بهره‌مند است. این خطوط عبارتند از:

جدول (۶): خطوط عمده انتقال انرژی از آسیای مرکزی به آسیای جنوب		
پروژه لاین فشارقوی برق تو تاپ (TUTAP)	پروژه لاین فشارقوی برق کاسا یک‌هزار (CASA-1000)	پروژه خط لوله انتقال گاز تاپی (TAPI)
پروژه‌یی است که برق ترکمنستان، ازبکستان و تاجیکستان را از راه افغانستان به پاکستان انتقال می‌دهد.	پروژه انتقال برق از آسیای مرکزی به جنوب طرح آن در اجلاس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌یی (ریکا) کلید خورد.	مسیری ۱۸۱۴ کیلومتری است که قرار است از میدان گازی گالکینیش در ترکمنستان آغاز و با عبور از افغانستان و پاکستان به منطقه فاضلیکا در هند برسد.

۲-۱-۴. شبکه آب و فاضلاب

سال‌ها جنگ و ویرانی همراه با شش سال خشک‌سالی متواتر بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و محیط زیست افغانستان تأثیرات ناگواری بر جا گذاشت، که در نتیجه آن:

- بیش‌تر مردم از دسترسی به آب آشامیدنی صحت محروم ماندند؛
- تخریب زیربناهای موجود و کم‌بود زیربناهای جدید جواب‌دهنده نیازهای فعلی کشور؛
- واقعات امراضی که از آب‌های آلوده اتفاق می‌افتند، افزایش یافته است؛
- کاهش قابل ملاحظه در تولیدات سکتور زراعت رخ داده و زیربنای این سکتور تخریب گردید؛
- تعداد بیش‌تر مردم در داخل و یا به خارج از کشور بی‌جا و مهاجر گردیده‌اند؛
- قطع خودسرانه جنگلات، که منجر به کاهش قابل ملاحظه منابع طبیعی و خرابی محیط زیست گردیده است؛

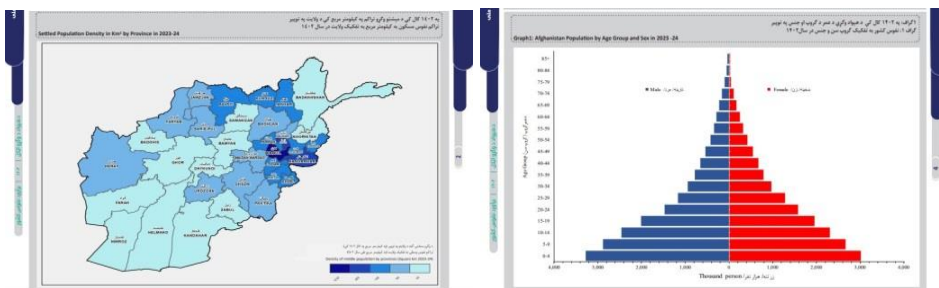
- افزایش قابل توجه در تخریب سواحل دریاها و تخریبات در اثر سیل آب به میان آمده؛
- نباتات طبیعی، درختان پسته و سایر جنگلات خسته‌باب از ریشه خشک شده؛
- نهادهای سنتی محلی که مؤلف برای اداره جنگلات، آب و سایر منابع طبیعی بودند صدمه شدیدی را متقبل شده‌اند؛

- کاهش سطح آب‌های زیرزمینی به نسبت استخراج بیش از حد مجاز (اداره منابع آب: ۱۳۹۱).
به اساس معلومات اداره مرکزی احصائیه، میزان دسترسی مردم به آب آشامیدنی صحت در سطح کشور ۶۳٫۹ درصد اعلام شده است، که این رقم نشان می‌دهد که نزدیک به نیمی از جمعیت کشور به آب آشامیدنی صحت دسترسی ندارند. با آن‌که در حال حاضر فیصدی زیادی از آب‌های زیر زمینی، غیر صحت گزارش شده است، مردم ناچار اند از آن برای آشامیدن و شست‌وشو استفاده کنند. نبود سیستم کانالیزاسیون عامل اصلی آلوده‌شدن آب‌های زیر زمینی عنوان می‌شود (اداره ملی حفاظت محیط زیست، ۱۳۹۷: ۶).

۳-۲-۳. عناصر جامعه انسانی

۳-۲-۳-۱. جمعیت (تعداد نفوس / جنسیت / سکونت)

به علت مشکلات تکنیکی دومین سرشماری کامل نفوس کشور بعد از سرشماری نفوس سال ۱۳۵۸ تا هنوز صورت نگرفته است؛ از این رو، نفوس مسکون کشور به تفکیک واحدهای اداری، شهری، دهاتی و جنسیت با در نظر داشت موازین و تخنیک های علمی دموگرافیکی برآورد شده است، که دربرگیرنده ۳۴ ولایت (۳۶۴ ولسوالی اصلی، ۲۴ ولسوالی موقت و ۳۴ مرکز ولایت) می باشد. قابل ذکر است که در این برآورد ۶۶ شهر کشور نیز شامل ۴۲۲ واحد اداری می باشد. مجموع نفوس کشور در سال ۱۴۰۲ حدود ۳۴،۹ میلیون نفر برآورد شده است که از جمله حدود ۱۷،۸ میلیون نفر (۵۱،۰ فیصد) آن مردان و ۱۷،۱ میلیون نفر (۴۹،۰ فیصد) آن زنان می باشند. در سال ۱۴۰۲ از جمله ۳۴،۹ میلیون نفر نفوس کشور، ۲۴/۶ میلیون نفر (۷۰/۵) فیصد را نفوس روستایی و ۸/۸ میلیون نفر (۲۵/۲) فیصد) را نفوس شهری و ۱/۵ میلیون نفر (۴/۳) فیصد) را نفوس کوچی تشکیل می دهند، که در جدول (۷) قابل مشاهده است. در رابطه با نفوس کوچی باید متذکر شد، که از سال ۱۳۵۸ تا حال نفوس کوچی نسبت عدم موجودیت سرشماری کلی نفوس طور ثابت ۱،۵ میلیون نفر در نظر گرفته شده است. لازم به ذکر است که در برآورد نفوس سال جاری، نفوس سال ۱۳۸۳ به حیث سال اساس در نظر گرفته شده است (اداره ملی احصائیه و معلومات: ۱۴۰۲).



تصویر (۶): نمودار تفکیک سن، جنسیت و تراکم نفوس کشور (۱۴۰۲)

جدول (۷): نفوس کشور به تفکیک: سن، جنس و محل سکونت

(جدول: به ۱۴۰۲ کال کی د هیواد واکړي د عمر ګروپ، جنس او استوګنځای په توپیر لټه)
(جدول ۱: نفوس کشور به تفکیک ګروپ سن، جنس و محل اقامت در سال ۱۴۰۲ (تفر)

Table 1: Afghanistan Population by Age Group, Sex and Residence in 2023-24 (Person)

د عمر ګروپ Age Group	ملی National			شهری Urban			کلاسی دهای Rural			کومی Nomadic		
	دواړه جنس Both Sexes	نرینه Male	زن Female	دواړه جنس Both Sexes	نرینه Male	زن Female	دواړه جنس Both Sexes	نرینه Male	زن Female	دواړه جنس Both Sexes	نرینه Male	زن Female
Total	34,971,517	17,832,072	17,139,445	8,863,196	4,478,245	4,384,951	24,608,321	12,561,544	12,046,777	1,500,000	792,283	707,717
0-4	6,293,220	3,280,438	3,012,782	1,263,020	642,734	620,286	4,701,953	2,457,365	2,244,588	328,247	180,339	147,908
5-9	5,552,667	2,884,577	2,668,090	1,280,618	658,816	621,802	4,007,666	2,082,336	1,925,330	264,383	143,425	120,958
10-14	4,765,890	2,458,419	2,307,471	1,266,435	655,581	610,854	3,295,912	1,694,604	1,601,308	203,543	108,234	95,309
15-19	3,967,634	2,010,045	1,957,589	1,114,335	566,159	548,176	2,695,474	1,362,224	1,333,250	157,825	81,662	76,163
20-24	3,054,916	1,472,005	1,582,911	857,667	404,172	453,495	2,083,844	1,013,089	1,070,755	113,405	54,744	58,661
25-29	2,456,569	1,171,369	1,285,200	683,903	318,531	365,372	1,683,389	810,189	873,200	89,277	42,649	46,628
30-34	1,909,181	943,853	965,328	498,236	247,839	250,397	1,336,553	657,815	678,738	74,392	38,199	36,193
35-39	1,568,113	782,757	785,356	405,082	203,781	201,301	1,100,170	546,104	554,066	62,861	32,872	29,989
40-44	1,333,757	659,940	673,817	357,919	172,333	185,586	920,044	458,558	461,486	55,794	29,049	26,745
45-49	1,093,148	544,838	548,310	299,828	146,422	153,406	748,337	375,196	373,141	44,983	23,220	21,763
50-54	837,959	419,863	418,096	239,247	124,247	115,000	567,720	280,449	287,271	30,992	15,167	15,825
55-59	665,157	340,098	325,059	191,079	101,258	89,821	450,920	227,308	223,612	23,158	11,532	11,626
60-64	533,509	285,805	247,704	147,757	77,247	70,510	368,407	198,781	169,626	17,345	9,777	7,568
65-69	395,361	222,703	172,658	107,576	58,451	49,125	274,671	156,355	118,316	13,114	7,897	5,217
70-74	264,994	160,716	104,278	70,638	41,811	28,827	184,626	112,700	71,926	9,730	6,205	3,525
75-79	138,718	98,783	39,935	35,827	27,059	8,768	95,700	67,024	28,676	7,191	4,700	2,491
80-84	81,205	57,566	23,639	16,989	10,100	6,111	54,721	38,164	16,557	3,384	2,413	971
85+	59,519	38,297	21,222	20,929	14,815	6,114	38,214	23,283	14,931	376	199	177

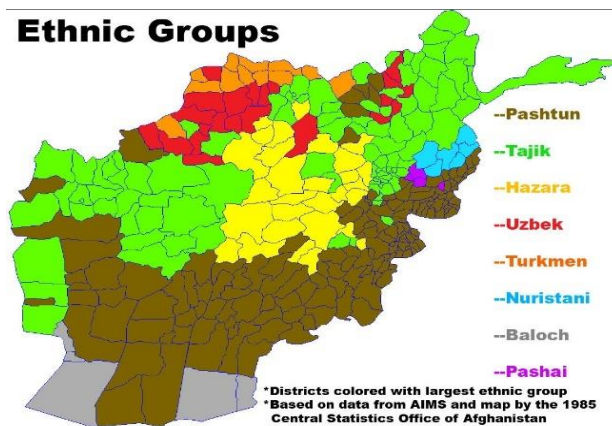
منبع: (اداره ملی احصائیه و معلومات: ۱۴۰۲)

۳-۲-۳. سیمای نفوس کشور

اکثر کشورهای جهان ملت واحد ندارند و در آن‌ها بیش از یک زبان، فرهنگ، مذهب و نژاد وجود دارد و به تبع آن بیش از یک ملت دارند. این گونه کشور و دولت‌ها به‌ویژه اگر توده‌های دارای ملیت‌های متفاوت در آن به‌طور تاریخی در مناطق جغرافیایی با مرزهای مشخص و به‌طور متراکم ساکن بوده باشند، خودبه‌خود در تعریف دولت - ملت و مردم ساکن در آن در تعریف ملت - دولت نمی‌گنجد. این وضعیتی است که در افغانستان نیز حاکم است. افغانستان به‌عنوان یک واحد مستقل، کشوری نه تنها از ملت‌ها و ملیت‌های گوناگون ساکن در مناطق ملی مشخص تشکیل یافته، بل که به لحاظ ترکیب ملی یکی از متنوع‌ترین و رنگارنگ‌ترین کشورهای منطقه و جهان و به معنای دقیق کلمه کشور و جامعه‌ی چندملتی - کثیرالمله است که اقوام گوناگونی در آن زنده‌گی می‌کنند و هر یک دارای زبان و فرهنگ مخصوص به خود هستند؛ چهار گروه اصلی عمده قومی پشتون‌ها، هزاره‌ها تاجیک‌ها و از بک‌ها تقسیم می‌شوند. هرکدام از این اقوام در بخش‌های معینی از سرزمین افغانستان زنده‌گی می‌کنند و در قلمروهای جغرافیایی ویژه‌ی مسکن‌گزین‌اند (عظیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

در افغانستان علاوه بر چهار گروه عمدہ قومی، مثل پشتون‌ها، تاجیک‌ها، هزارہ‌ها و ازبک‌ها، دہہا خردہ گروه قومی دیگر وجود دارد، کہ در محیط‌های خاصی و جداگانه تجمع و تمرکز زیستی یافته‌اند. خُردہ گروه‌های قومی، مانند پشه‌یی‌ها، ترکمن‌ها، بلوچ‌ها، تیموریان، بیات‌ها، ایماق‌ها، قزلباش‌ها، قرقیزها، سکاها، نورستانی‌ها، عرب‌ها و ... در محیط‌ها تفکیک‌شدہ در ولایات و مناطق مختلف کشور زندہ گی می‌کنند (الفنستون: ۱۳۸۸).

آن‌چہ تا این‌جا ذکر گردید، نشان‌دهندہ این است کہ افغانستان یک کشور چندقومی و با فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف است، کہ بہ دلایل مختلف ازجملہ: عوامل جغرافیایی، تاریخی و انسانی در کشور رنگین‌کمان قومی با ساختار ناهم‌گون اجتماعی و ناهم‌سان فرهنگی و انسانی پدیدار گشتہ است. گروه‌های قومی مختلف، یعنی بیش‌تر از ۵۰ قوم و صدہا زبان و گویش و مذہب مختلف در این جغرافیا زیست می‌کنند. تصویر (۶) توزیع فضایی اقوام و زبان در فضای جغرافیایی افغانستان را نشان می‌دہد.



تصویر (۶): نمایی از پراکنده‌گی اقوام و زبان در افغانستان

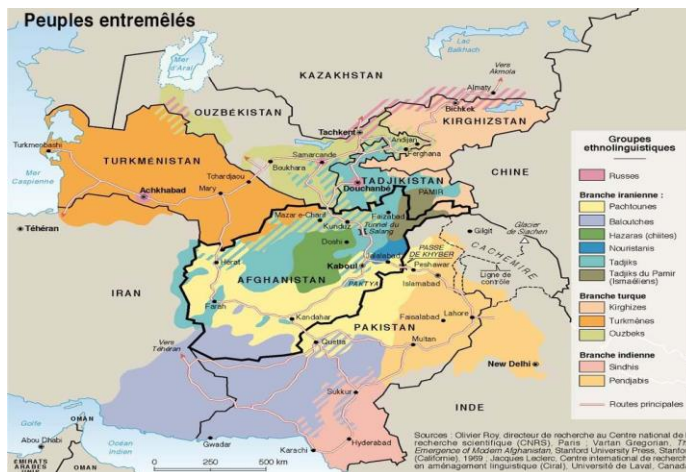
(منبع: https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Map_of_Ethnic_Groups_in_Afghanistan,_by_district.svg)

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. بستر و طبیعت فضای جغرافیایی افغانستان

همان‌طور کہ از وضعیت توپوگرافی افغانستان پیداست، فضای جغرافیایی کشور از تمایز برخوردار است و ہر بخشی از مِلّت در آن دارای قلمرو جغرافیایی خاصی است و برخی از بخش‌ها نیز با ملت‌های خارج از افغانستان پیوند می‌خورند. الگوی بخش متمایز اقوام و ملیت‌های آن تا اندازہ‌یی از

الگوی ناهم‌واری و ساخت توپوگرافیک افغانستان متأثر است. به‌طوری که قلمرو جغرافیایی هر یک از اقوام بر یکی از قلمروهای توپوگرافیک همراه با اختصاصات خاص خود تطبیق می‌نماید؛ مثلاً ترک‌های ازبک و ترکمن بر قلمرو سرزمینی پست و کم‌ارتفاع شمال، که به‌گونه‌ی دنباله صحرای قره قوم محسوب می‌شود، تطبیق دارند. بلوچ‌ها نیز در منطقه سرزمین‌های پست و کم‌ارتفاع جنوب مستقر می‌باشند. هزاره‌ها در منطقه مرکزی افغانستان و بر ارتفاعات بخش مرکزی، تطبیق دارند که ارائه این مرتفعات به سمت شرق به فلات بابر و قلمرو قوم تاجیک می‌پیوندد. پشتون‌ها بر سرزمین‌های مرتفع و فلات جنوب و مرکزی و پیرامون قلمرو هزاره‌نشین استقرار دارند، که شهرهای بزرگ قندهار، جلال‌آباد و تا اندازه‌ی کابل نیز در قلمرو جغرافیایی آن‌ها قرار گرفته است. تاجیک‌ها در منطقه شمال‌شرق افغانستان پراکنده‌اند و قلمرو جغرافیایی آن‌ها را منطقه کوهستانی بلند شمال‌شرق کشور تشکیل می‌دهد، که ادامه آن به پامیر یا بام جهان می‌پیوندد و با قلمرو قریزها هم‌سایه‌گی دارند. در واقع تاجیک‌ها بر مرتفع‌ترین بخش خاک افغانستان، که از کوه‌ها و دره‌های صعب‌العبور برخوردار است، تطبیق دارند. مشاهده می‌شود که الگوی پخش اقوام در افغانستان تابع الگوی ناهم‌واری و ساختمان توپوگرافیک این کشور است و تا اندازه‌ی می‌توان گفت که ساخت گسیخته سرزمینی بر آرایش اقوام افغان تأثیر داشته است.



تصویر (۷): نقشه پراکنده‌گی و ترکیب قومی افغانستان و کشورهای اطراف

(منبع: <https://www.irna.ir/news/84933890>)

۴-۲. وضعیت ساختہای انسانی فضای جغرافیایی افغانستان

زیرساختہای حمل و نقل ضعیف مانع تجارت شدہ، توسعہ منابع طبیعی را محدود ساختہ، مانع ادغام منطقہیی شدہ و رشد اقتصادی فراگیر را محدود می کند؛ از دیگر سو، می توان گفت افغانستان در رتبہ بندی پایین ترین میزان مصرف انرژی سرانہ در سطح جہانی، یعنی پنج درصد بودہ و واردکنندہ انرژی خالص است. لازم بہ ذکر است کہ منابع ناکافی انرژی و عدم تعادل عرضه و تقاضا، می تواند فرصتہای رشد و درآمد را محدود کردہ و اختلافاتی را نیز در توسعہ اقتصادی ایجاد کند.

مانع اصلی در بہبود بخش کشاورزی نیز عدم وجود زیرساختہای مناسب برای ہدایت و انتقال آب برای اہداف زراعتی و کشاورزی است. این امر دربرگیرندہ عدم وجود سیستم توزیع مناسب آب و ظرفیت ذخیرہ آب و بہ طور کلی مدیریت ضعیف منابع آبی است. در ہمین راستا می توان گفت بیش ترین اتلاف آب در افغانستان بہ دلیل راندمان و بازدہ پایین سیستمہای آبیاری است. راندمان پایین سیستم آبیاری تا حدی از این واقعیت ناشی می شود، کہ اکثریت قریب بہ اتفاق روند آبیاری شامل سیستمہای آبیاری غیررسمی است. افغانستان تنها ۱۰ سیستم آبیاری رسمی دارد کہ حدود ۱۰ درصد از زمینہای آبیاری را پوشش می دہد. با توزیع مناسب آب، میزان زمینہای آبیاری در افغانستان می تواند دو برابر شدہ و در نتیجہ فرصتہای معیشتی روستایی افزایش یابد. و از دیگر سو کم بود زیرساختہا در افغانستان ہمچنین می تواند منافع بالقوہ و فرصتہای اقتصادی با پتانسیل ادغام منطقہیی را محدود کند. زیرساختہای منطقہیی می تواند تجارت و ترانزیت را افزایش دادہ، پیوندہای تجاری فراملی را افزایش دادہ، اشتغال ایجاد کردہ و فرصتہای شغلی جدیدی ایجاد کند.

۴-۳. سیمای انسانی در فضای جغرافیایی افغانستان

۴-۳-۱. بُعد قومیت

سیمای انسانی در فضای جغرافیایی افغانستان بہ مجموعہیی از ویژگیہا، فرہنگہا، و فعالیتہای اجتماعی و اقتصادی مردم این کشور اشارہ دارد. افغانستان با تاریخچہیی غنی و متنوع، بہ عنوان پلی بین فرہنگہای مختلف شناختہ می شود. باتوجہ بہ ترکیب قومی در افغانستان، اقوام مختلف آن از نوعی توازن نسبی برخوردارند آمار و ارقام مختلف دربارہ ترکیب ملت نشان می دہد کہ از نہ قوم تشکیل شدہ است، کہ بہ ترتیب عبارتند از: پشتونہا، تاجیکہا، ہزارہہا، ازبکہا، ترکمنہا، بلوچہا، نورستانیہا، پشہییہا و قرقیزہا. در بین این اقوام، پشتونہا، تاجیکہا، ہزارہہا و ازبکہا از اکثریت قابل توجہی برخوردارند و سایر اقوام دارای نسبت درصد کمتری ہستند.

۴-۳-۲. بُعد زبانی

در بُعد زبانی ملت افغانستان دارای الگوی ترکیبی است. هشت زبان مختلف در کشور بیش‌ترین کاربرد را دارند، که عبارتند از: پشتو، فارسی دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، نورستانی، پشه‌یی و قرقیزی. در بین گروه‌های زبانی، پشتو، فارسی دری و ترکی (ازبکی و ترکمنی) در اکثریت قرار دارند.

۴-۳-۳. بُعد مذهبی

در بُعد مذهبی نیز ملت افغانستان دارای الگوی ترکیبی است؛ دین غالب در افغانستان اسلام است و از نظر مذهبی افغانستان دارای دو مذهب سنی حنفی و شیعه می‌باشد. درواقع پی‌روان مذهب اهل سنت در اکثریت قرار دارند.

۵. مناقشه

مروری بر ادبیات موضوعی پژوهش نشان می‌دهد، که آثار زیادی پیرامون تحلیل رفتار و پراکنش نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز که به اشکال مختلف در کشور افغانستان وجود دارند، انجام شده و دارای ویژگی‌های خاص خود هستند؛ اما به‌صورت تخصصی ساختار فضای جغرافیایی افغانستان به‌عنوان یک متغیر مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. آنچه که محور اصلی این پژوهش را شکل می‌دهد، شناخت عوامل موجود در این ساختار (موقعیت و محتوا) فضای جغرافیایی که سبب به‌وجود آمدن و جهت‌گیری‌های متفاوت (مرکزگرایی و مرکزگریزی) این نیروها می‌شوند. قاعدتاً هر فضای جغرافیایی در بطن خود حاوی ارزش‌های طبیعت‌پایه و انسان‌پایه است، که مطلوب انسان‌ها می‌باشد؛ منابع طبیعت‌پایه و انسان‌پایه که برای زنده‌گی بشر و گروه‌های انسانی ضروری می‌باشند، در فضاهای جغرافیایی قرار دارند و محتوای ارزش‌مند آن‌ها را تشکیل می‌دهند؛ بنابراین، مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه‌یی هستند، که به‌صورت ارزش‌های درک‌شده ازسوی سازه‌های انسانی، ملت‌ها، دولت‌ها و گروه‌های بشری درمی‌آیند و معنای سیاسی و مطلوبیت خاصی برای آن‌ها پیدا می‌کنند؛ ارزش‌های جغرافیایی‌یی که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند، از ماهیت ژئوپلیتیکی برخوردار شده و در رفتار و کردار انسان‌ها به‌صورت گروهی یا فردی اثر می‌گذارند و الگوهای رفتاری مختلفی نظیر هم‌کاری، هم‌گرایی، تعامل، رقابت، ستیز، سلطه، تصرف، کنترل، و نظایر آن را در بین آن‌ها می‌آفرینند.

۶. نتیجہ گیری

تأثیر ساختار فضای جغرافیایی بر مرکزگرایی و مرکزگریزی در کشورهای مختلف موضوعی بسیار مهم و پیچیده است. این تأثیرات از جنبہ‌های مختلفی قابل بررسی هستند کہ بہ تبیین دینامیک‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورها کمک می‌کنند. افغانستان بہ دلیل وجود رشته کوه‌های هندوکش و دیگر کوه‌ها، دارای توزیع جمعیت پراکنده‌یی است. این ویژگی جغرافیایی باعث می‌شود کہ بسیاری از مناطق دورافتادہ و کوهستانی از مراکز شهری دور باشند و دسترسی بہ خدمات و امکانات محدود شود. این امر در صورت عدم توجہ حکومت مرکزی موجب مشکلاتی می‌شود؛ زیرا ساکنان این مناطق احساس می‌کنند کہ دولت و مرکز قدرت بہ نیازهای آن‌ها توجہ نمی‌کند.

از سویی افغانستان محل زندگی اقوام مختلفی است کہ ہر کدام ہویت، زبان و فرہنگ خاص خود را دارند. این تنوع قومی در صورت عدم کنترل می‌تواند باعث مشکلاتی شود. کمبود زیرساخت‌های مناسب، مانند جادہ‌ها، برق و آب آشامیدنی در بسیاری از مناطق روستایی، دسترسی بہ خدمات عمومی را محدود می‌کند. وقتی مردم احساس کنند کہ دولت در تأمین نیازهای اولیہ آن‌ها بی‌توجہ است، ممکن است بہ سمت مرکزگریزی گرایش پیدا کنند. موقعیت جغرافیایی افغانستان ہم بہ عنوان یک کریدور مهم بین آسیای مرکزی و جنوبی، آن را بہ ہدفی برای قدرت‌های خارجی تبدیل کردہ است. این تأثیرات بین المللی در صورت عدم کنترل می‌تواند بہ گریز از مرکز منجر شود. بسیاری از مناطق افغانستان بہ کشاورزی و دامداری وابستہ هستند و از نظر اقتصادی بہ مراکز شهری وابستہ‌اند. این وابستہ گی می‌تواند باعث تقویت مرکزگرایی شود؛ اما در عین حال اگر دولت نتواند نیازهای اقتصادی این مناطق را تأمین کند، ممکن است مردم بہ گریز از مرکز تمایل پیدا کنند.

ساختار فضای جغرافیایی افغانستان تأثیرات عمیقی بر دینامیک‌های مرکزگرایی و مرکزگریزی دارد. برای رسیدن بہ توسعہ پایدار و کاهش تنش‌های اجتماعی، ضروری است کہ سیاست‌گذاران بہ این مؤلفہ‌ها توجہ ویژہ‌یی داشته باشند و راهکارهایی برای تقویت ارتباطات بین مناطق مختلف و ارتقای سطح زندگی در مناطق دورافتادہ ارائه دهند. این امر می‌تواند بہ ایجاد یک نظام سیاسی و اجتماعی پایدارتر کمک کند.

ہمان گونه کہ از الگوی موزائیکی ملت در افغانستان پیداست، چندگانہ گی قومی، زبانی و مذہبی، از عناصر اصلی مؤلفہ‌یی ملی در آن است. با ملاحظہ محتوای ساختار فضای جغرافیایی افغانستان، نامتجانسگی جغرافیایی آن مشہود است، اما در این بین عواملی چون اشتراکات نژادی، ہم‌ریشہ گی زبانی، تاریخ و دین مشترک، باعث تقویت و تحکیم مرکزگرایی در این کشور شدہ است. حکومت باید این مسائل را در نظر داشتہ باشد و بہ تقویت نیروهای مرکزگرا و کنترل نیروهای مرکزگریز در افغانستان توجہ نماید تا وحدت ملی مستحکم‌تر باقی بماند.

۷. پیش‌نهادها

- توسعه متوازن و اساسی در زمینه ساخت‌ها و شبکه‌های انسان‌ساخت؛
- بررسی و شناخت محتوای کارکردی فضای جغرافیایی افغانستان؛
- شناخت و بررسی نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز در افغانستان؛
- تقویت نیروهای مرکزگرا و کنترل نیروهای مرکزگریز در افغانستان توسط حکومت.

ORCID

Jawad Amiri

 <https://orcid.org/0009-0000-0245-4047>

Seyed Hadi Zarghani

 <https://orcid.org/0000-0002-3365-8250>

Morteza Manshadi

 <https://orcid.org/0000-0003-0378-9513>

ارجاع به این مقاله (APA):

امیری، جواد؛ زرقانی، سیده‌ادی؛ منشادی، مرتضی. (۱۴۰۴). «تأثیر ساختار فضای جغرافیایی بر مرکزگرایی و مرکزگریزی در افغانستان». *فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب*. ۱۴(۱). ۱۶۹ - ۲۰۰.
<https://doi.org/10.58342/ghalibqi.V.14.I.1.10>

To Cite this Article (APA):

Amiri, Jawad; Zarghani, Seyed Hadi; Manshadi, Morteza. (2025). "The Impact of Geographic Space Structure on Centralization and Decentralization in Afghanistan". *Ghalib Journal*. 14(1). 169 - 200. <https://doi.org/10.58342/ghalibqi.V.14.I.1.10>

سرچشمه‌ها

۱. الفنستون، استوارت مونت. (۱۳۸۸). *افغانان: جای، فرهنگ و نژاد*. ترجمه محمد آصف فکرت. چ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس.
۲. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۴). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. چ دوم. مشهد: انتشارات پاپلی.
۳. دولفوس، اولیویه. (۱۳۷۴). *فضای جغرافیایی*. ترجمه سیروس سهامی. چ دوم. مشهد: نشر نیکا.
۴. سجادی، عبدالقیوم. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی سیاسی افغانستان*. کابل: انتشارات فرهنگ.
۵. شکوئی، حسین. (۱۳۹۴). *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*. ج ۱. تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
۶. شکوئی، حسین. (۱۳۹۲). *فلسفه جغرافیا*. چ شانزدهم. تهران: گیتاشناسی.
۷. عظیمی، محمدعظیم. (۱۳۹۶). *جغرافیای انسانی افغانستان*. چ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.

۸. عظیمی، محمدعظیم. (۱۳۹۶). درآمدی بر جغرافیای طبیعی افغانستان. چ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.
 ۹. عظیمی، محمدعظیم. (۱۳۹۶). مدخلی بر جغرافیای سیاسی افغانستان. چ دوم. کابل: انتشارات خراسان قدیم.
 ۱۰. فرهنگ، میرمحمد صدیق. (۱۳۸۵). افغانستان در پنج قرن اخیر. ج ۱. چ چهارم. تهران: انتشارات عرفان.
 ۱۱. کریمی‌پور، یداله. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان. چ اول. تهران: جهاد دانشگاهی تربیت معلم.
 ۱۲. لورل، کورنا. (۱۳۹۲). افغانستان. ترجمه فاطمه شاداب. چ سوم. تهران: انتشارات ققنوس.
 ۱۳. مویر، ریچارد. (۱۳۹۱). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی. ترجمه دره میرحیدر و یحیی صفوی. چ دوم. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
 ۱۴. میرحیدر، دره و هم‌کاران. (۱۳۹۶). مبانی جغرافیای سیاسی. چ بیست‌ودو. تهران: انتشارات سمت.
 ۱۵. ویسی، هادی. (۱۳۹۸). مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی. چ سوم. تهران: سمت.
 ۱۶. زین‌العابدین، یوسف و کارساز، انام. (۱۳۸۹). «جایگاه موقعیت جغرافیایی در نظریه‌های ژئوپلیتیک». فصل‌نامه نگارش‌های نو در جغرافیای سیاسی. ۳ (۱). ۴۵-۵۵.
<https://www.sid.ir/paper/477859/fa>
 ۱۷. نجفی، علی. (۱۳۸۹). «تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان (۱)». فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای. ۵ (۶) ۳۹-۸۰.
<http://noo.rs/tbmnC>
 ۱۸. نجفی، علی. (۱۳۸۹). «تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان (۲)». فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای. ۷ (۸) ۲۰۳-۲۳۸.
<http://noo.rs/If9Ea>
- گزارش‌ها و سایت‌ها**
۱۹. اداره ملی احصائیه و معلومات. (۱۴۰۲). برآورد نفوس کشور. بازیابی‌شده در ۱۸ دلو ۱۴۰۳، از <https://nsia.gov.af/library>
 ۲۰. پروگرام آینده شهرهای افغانستان (۱۱ حوت ۱۳۹۴). حمایت ملی برای شهرهای افغانستان. بازیابی‌شده در ۱۲ دلو ۱۴۰۳، از <https://www.acbar.org/upload/1471328984287.pdf>
 ۲۱. اداره ملی حفاظت محیط‌زیست. (۲۴ سرطان ۱۳۹۷). پالیسی ملی نظارت بر کیفیت آب. بازیابی‌شده در ۱۵ دلو ۱۴۰۳، از <https://www.nepa.gov.af/> و <https://faolex.fao.org/docs/pdf/afg216947.pdf>
 ۲۲. اداره منابع آب. (۱ دلو ۱۳۸۶). استراتژی انکشاف ملی افغانستان. بازیابی‌شده در ۱۵ دلو ۱۴۰۳، از <https://faolex.fao.org/docs/pdf/AFG184664.pdf> و <https://www.nepa.gov.af/>

۲۳. آمریت رسانه‌های وزارت مخابرات. (۱ قوس ۱۳۹۹). گزارش کارکردها و دست‌آوردهای وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی. بازیابی شده در ۱۶ دلو ۱۴۰۳، از <https://mcit.gov.af/dr>
۲۴. سیلوان، ش. و. (۱۳۹۵ حوت). تجدید ماسترپلان سکتور ترانسپورت. وزارت فواید عامه. بازیابی شده در ۱۴ دلو ۱۴۰۳، از https://www.adb.org/sites/default/files/institutional-document/235311/afg-transport-plan-update-2017-2036-prs_0.pdf
۲۵. شمس، م. (۷ عقرب ۱۳۹۸). پلان ملی شبکه خط آهن افغانستان. اداره خط آهن افغانستان. بازیابی شده در ۱۲ حوت ۱۴۰۳، از <https://www.ara.gov.af/> و https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhzIY_D-Yf/view
۲۶. ظاهر، س. (۶ قوس ۱۳۹۸). حفظ و مراقبت منظم از خط آهن حیرتان-مزارشریف. بازیابی شده در ۲۷ دلو ۱۴۰۳، از <https://ara.gov.af/dr> و https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhzIY_D-Yf/view
۲۷. غرجستانی توسلی، م. (۲۰ قوس ۱۳۹۹). احداث خط آهن منطقه‌ای و نقش آن در چشم‌انداز اقتصاد منطقه. بازیابی شده در ۲۷ دلو ۱۴۰۳، از <https://ara.gov.af/dr>
۲۸. اداره خط آهن افغانستان. (۶ قوس ۱۳۹۹). ماستر پلان شبکه خط آهن افغانستان: بندرهای چندمنظوره افغانستان. بازیابی شده در ۲۹ دلو ۱۴۰۳، از <https://ara.gov.af/dr>
۲۹. مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی. (۱۱ سنبله ۱۴۰۲). فواید و اهمیت داخلی و منطقه‌ای توسعه خطوط ریلی در افغانستان. بازیابی شده در ۲۹ دلو ۱۴۰۳، از <https://csrsaf.org> و <https://csrsaf.org/wp-content/uploads/2023/09/Weekly-Analysis-Fa-415.pdf>
۳۰. واحدی، ه. (۴ سنبله ۱۴۰۲). نگاه اجمالی بر شاهراه‌ها، سرک‌ها و کارکرد امارت اسلامی در این خصوص. معاونیت اقتصادی ریاست‌الوزرا. بازیابی شده در ۲۸ دلو ۱۴۰۳، از <https://dpmea.gov.af/dr>

References

1. Elphinstone, Stuart Mont. (2009). *Afghans: Place, Culture, and Race*. Translated by Mohammad Asif Fekrat. 3rd Edition. Mashhad: Astan Quds Publishing. [In Persian]
2. Hafeznia, Mohammad Reza. (2005). *Principles and Concepts of Geopolitics*. 2nd Edition. Mashhad: Papeli Publishing. [In Persian]
3. Dollfus, Olivier. (1995). *Geographical Space*. Translated by Siros Sahami. 2nd Edition. Mashhad: Nika Publishing. [In Persian]
4. Sajjadi, Abdul Qayum. (2012). *Political Sociology of Afghanistan*. Kabul: Farhang Publishing. [In Persian]
5. Shokouei, Hossein. (2015). *New Ideas in the Philosophy of Geography*. Vol. 1. Tehran: Geographical and Cartographic Institute Gitashenasi. [In Persian]
6. Shokouei, Hossein. (2013). *Philosophy of Geography*. 16th Edition. Tehran: Gitashenasi. [In Persian]

7. Azimi, Mohammad Azim. (2017). *Human Geography of Afghanistan*. 2nd Edition. Kabul: Khorasan Qadim Publishing. [In Persian]
8. Azimi, Mohammad Azim. (2017). *Introduction to the Physical Geography of Afghanistan*. 2nd Edition. Kabul: Khorasan Qadim Publishing. [In Persian]
9. Azimi, Mohammad Azim. (2017). *Introduction to the Political Geography of Afghanistan*. 2nd Edition. Kabul: Khorasan Qadim Publishing. [In Persian]
10. Farhang, Mir Mohammad Sediq. (2006). *Afghanistan in the Last Five Centuries*. Vol. 1. 4th Edition. Tehran: Erfan Publishing. [In Persian]
11. Karimi-Pour, Yadollah. (2001). *Introduction to Iran and Its Neighbors*. 1st Edition. Tehran: Jihad Daneshgahi of Tarbiat Moallem University. [In Persian]
12. Laurel, Corna. (2013). *Afghanistan*. Translated by Fatemeh Shadab. 3rd Edition. Tehran: Qoqnoos Publishing. [In Persian]
13. Muir, Richard. (2012). *A New Introduction to Political Geography*. Translated by Darreh Mirhaidar and Yahya Safavi. 2nd Edition. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian]
14. Mirhaidar, Darreh & Colleagues. (2017). *Fundamentals of Political Geography*. 22nd Edition. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
15. Vaisi, Hadi. (2019). *Concepts and Theories of Political Geography*. 3rd Edition. Tehran: SAMT. [In Persian]
16. Zeyn al-Abedin, Yousef & Karsaz, Anam. (2010). "The Role of Geographical Location in Geopolitical Theories." *Quarterly Journal of New Perspectives in Political Geography*, 3(1), 45-55. [In Persian]
<https://www.sid.ir/paper/477859/fa>
17. Najafi, Ali. (2010). "Ethnic, Cultural, and Linguistic Diversity in Afghanistan (1)." *Quarterly Journal of Regional Studies*, 5(6), 39-80. [In Persian]
<http://noo.rs/tbmnc>
18. Najafi, Ali. (2010). "Ethnic, Cultural, and Linguistic Diversity in Afghanistan (2)." *Quarterly Journal of Regional Studies*, 7(8), 203-238. [In Persian]
<http://noo.rs/If9Ea>

Reports and Websites

19. National Statistics and Information Authority. (2023). **Estimated Population of the Country**. Retrieved on February 7, 2025, from [\[https://nsia.gov.af/library\]](https://nsia.gov.af/library) [In Persian]
20. Future Cities Program of Afghanistan. (March 1, 2016). **National Support for Afghanistan's Cities**. Retrieved on February 1, 2025, from [\[https://www.acbar.org/upload/1471328984287.pdf\]](https://www.acbar.org/upload/1471328984287.pdf) [In Persian]
21. National Environmental Protection Agency. (July 15, 2018). **National Water Quality Monitoring Policy**. Retrieved on February 4, 2025, from [\[https://www.nepa.gov.af/\]](https://www.nepa.gov.af/) and [\[https://faolex.fao.org/docs/pdf/afg216947.pdf\]](https://faolex.fao.org/docs/pdf/afg216947.pdf) [In Persian]
22. Water Resources Department. (January 21, 2008). **Afghanistan National Development Strategy**. Retrieved on February 4, 2025, from [\[https://www.nepa.gov.af/\]](https://www.nepa.gov.af/) and [\[https://faolex.fao.org/docs/pdf/AFG184664.pdf\]](https://faolex.fao.org/docs/pdf/AFG184664.pdf) [In Persian]
23. Media Directorate of the Ministry of Communications. (November 21, 2020). **Performance and Achievements Report of the Ministry of Communications and**

Information Technology. Retrieved on February 5, 2025, from [<https://mcit.gov.af/dr>] [In Persian]

24. Sylvan, Sh. (March 3, 2017). **Update of the Master Plan for the Transport Sector.** Ministry of Public Works. Retrieved on February 3, 2025, from [https://www.adb.org/sites/default/files/institutional-document/235311/afg-transport-plan-update-2017-2036-prs_0.pdf] [In Persian]

25. Shams, M. (October 29, 2019). **Afghanistan National Railway Network Plan.** Afghanistan Railway Authority. Retrieved on March 2, 2025, from [<https://www.ara.gov.af/>] and [https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhzIY_D-Yf/view] [In Persian]

26. Zahir, S. (November 27, 2019). **Regular Maintenance of the Hairatan-Mazar-e-Sharif Railway.** Retrieved on February 16, 2025, from [<https://ara.gov.af/dr>] and [https://drive.google.com/file/d/17JWCszcY86NUBRrEb99ScEMhzIY_D-Yf/view] [In Persian]

27. Gharjestani Tavassoli, M. (December 10, 2020). **Construction of Regional Railways and Their Role in the Regional Economic Outlook.** Retrieved on February 16, 2025, from [<https://ara.gov.af/dr>] [In Persian]

28. Afghanistan Railway Authority. (November 27, 2020). **Master Plan for the Afghanistan Railway Network: Afghanistan's Multipurpose Ports.** Retrieved on February 18, 2025, from [<https://ara.gov.af/dr>] [In Persian]

29. Center for Strategic and Regional Studies. (September 2, 2023). **Domestic and Regional Benefits and Importance of Expanding Railway Networks in Afghanistan.** Retrieved on February 18, 2025, from [<https://csrsaf.org>] and [<https://csrsaf.org/wp-content/uploads/2023/09/Weekly-Analysis-Fa-415.pdf>] [In Persian]

30. Wahidi, H. (August 26, 2023). **A Brief Overview of Highways, Roads, and the Performance of the Islamic Emirate in This Regard.** Economic Affairs Deputy of the Prime Minister's Office. Retrieved on February 17, 2025, from [<https://dpmea.gov.af/dr>] [In Persian]